

## ■ نهم ماه ذی‌الحجه، روز عرفه ■

سید بن طاووس رحمته الله علیه در اقبال‌الاعمال می‌گوید: روز عرفه از برترین جشن‌های بندگان است، اگرچه آن را عید نگفته‌اند. اما پیر آشکار است که روزی فرخنده است و خدای جلّ جلاله در آن، بندگانش را به حمد و ستایش خود فراخوانده است، و وعده فرموده که همگان را از آتش‌هایی بخشد زیرا او بخششگر است و به وعده‌هایش عمل می‌کند و نوید داده است که در این شب، گناهان را بیامرزد و بدی‌ها را بپوشاند و اندوه‌های سخت را برطرف سازد و روی آورندگان به خود و روی گردانندگان از خود را اجازه درخواست دهد.

امام صادق رحمته الله علیه فرمود: در این روز هر دعای خیر که می‌خواهی برای خود بکن و در این کار بکوش که آن، روز دعا و درخواست است... برای این روز بزرگ‌اعمالی است:

**۱. روزه داشتن:** این کار برای کسی که ضعف روزه، او را از دعا باز نمی‌دارد، مستحب است؛ وگرنه دعا و تضرع همراه با توجه به خدا، از روزه‌ای که سبب ضعف و نپرداختن به دعا شود برتر است.

**۲. غسل کردن:** کَفَعِمِي در المصباح خود گوید: غسل کردن در این روز، پیش از ظهر، مستحب است، و در بعضی روایات، هنگام ظهر وارد شده است.

**۳. زیارت امام حسین علیه السلام:** که برابر است با هزار حج و هزار عمره و هزار جهاد؛ بلکه این زیارت، از همه آنها پر فضیلت تر است.

**۴. دعای امام حسین علیه السلام در روز عرفه:** از جمله دعاهایی که خواندنش در روز عرفه سفارش شده است، دعای معروف و مشهور سالار شهیدان امام حسین علیه السلام است که از محتوای بسیار با ارزش و بی نظیری برخوردار است، این دعای پر فیض، گنجینه‌ای از معارف اسلامی است که راه خداشناسی و توبه و بازگشت به او را، به هر خداجوی مسلمانی می‌آموزد و روح را به بالاترین اوج معرفت می‌رساند.

بَشْر و بَشِير از فرزندان «غالب آسدی» روایت کرده‌اند که: عصر روز «عرفه» در سرزمین «عرفات» خدمت امام حسین علیه السلام بودیم که آن حضرت با گروهی از اهل بیت و شیعیان خود، در نهایت خشوع و فروتنی، از خیمه خویش بیرون آمدند و در قسمت چپ جبل‌الرحمه (کوه معروفی است در وسط عرفات)، رو به سوی کعبه

ایستادند و همانند فقیر و نیازمندی که چیزی طلب کند، دست‌ها را در برابر صورت گرفتند و این دعا (دعای عرفه) را خواندند.

«برگرفته از مصابیح الجنان و مفاتیح نوین»

## دعای عرفه

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَيْسَ لِقَضَائِهِ دَافِعٌ وَلَا لِعَطَائِهِ

ستایش مخصوص آن خدایی است که هیچ‌کس در عالم سر از حکم و فرمانش نتواند کشید و بخشش او

مَانِعٌ وَلَا كُصْنِعِهِ صُنْعُ صَانِعٍ وَهُوَ الْجَوَادُ

را منع نتواند کرد و هیچ صانعی در آفرینش مانند صنع او پدید نتواند ساخت و اوست بخشنده

الْوَاسِعُ فَطَرَ أَجْنَاسَ الْبَدَائِعِ وَ أَتَقَنَ بِحِكْمَتِهِ

بی‌پایان و انواع بدایع مخلوقات را بیافرید و به حکمت بالغه صنایع و

الصَّنَائِعِ لَا تَخْفَى عَلَيْهِ الطَّلَائِعُ وَلَا تَضِيعُ

متقن فرمود نه چیزی در جهان پدید آید که از نظر عنایتش هرگز پنهان

عِنْدَهُ الْوَدَائِعُ جَازِي كُلِّ صَانِعٍ وَ رَائِسُ كُلِّ

گردد و نه آنچه نزدش ودیعه نهند هیچگاه نابود شود عمل هرکس را پاداش دهد و امور

قَانِعٍ وَ رَاحِمٌ كُلِّ ضَارِعٍ وَ مُنْزِلُ الْمَنَافِعِ وَ

اهل تقناعت را اصلاح کند به حال هرکس به درگاهش تضرع و

الْكِتَابِ الْجَامِعِ بِالنُّورِ السَّاطِعِ وَهُوَ لِلدَّعَوَاتِ

زاری کند ترخم فرماید هر منفعت را به خلق او نازل گرداند چنانکه کتاب جامع را

سَامِعٌ وَ لِلْكَرْبَاتِ دَافِعٌ وَ لِلدَّرَجَاتِ رَافِعٌ وَ

با نور علم و اشراق ایمان او نازل فرموده اوست که دعای بندگان را مستجاب می‌گرداند و

لِلْجَبَابِرَةِ قَامِعٌ فَلَا إِلَهَ غَيْرُهُ وَلَا شَيْءَ يَعْدِلُهُ وَ

گرفتاری‌هایشان را دفع می‌کند و مقامشان را بالا می‌برد و گردنکشان را سرکوب می‌کند پس غیر آن ذات

لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ اللَّطِيفُ

یکتا هیچ خدایی نیست و او را عدیل نباشد و مثل و مانند ندارد شنوای دعای خلق و بینای امور عالم است

الْخَبِيرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اللَّهُمَّ إِنِّي

به دقیق اشیاء بصیر و آگاه است و بر هر چیز توانایی و قدرت کامل

أَرْغَبُ إِلَيْكَ وَ أَشْهَدُ بِالرُّبُوبِيَّةِ لَكَ مُقَرَّأً بِأَنَّكَ

دارد ای خدا من اشتیاق دارم به سوی تو و به ربوبیت معترفم و می‌دانم که تو مربی

رَبِّي وَ إِلَيْكَ مَرَدِّي ابْتَدَأْتَنِي بِنِعْمَتِكَ قَبْلَ

و پروردگار منی و بازگشت من به سوی توست تو که در اول که من نابود بودم به من نعمت

أَنْ أَكُونَ شَيْئًا مَذْكَورًا وَ خَلَقْتَنِي مِنَ التُّرَابِ

وجود بخشیدی و مرا از خاک بیافریدی انگاه

ثُمَّ أَسْكَنْتَنِي الْأَصْلَابَ آمِنًا لِرَيْبِ الْمُنُونِ وَ

در صلب پدرانم جای دادی و از حوادث زمان و موانع دهر و

اخْتِلَافِ الدُّهُورِ وَ السِّنِينَ فَلَمْ أَزَلْ ظَاعِنًا مِنْ

اختلاف و تغییرات روزگاران مرا محفوظ داشتی تا آنکه بی‌دربی از یکایک پشت پدرانم به

صَلْبِ إِلَى رَحِمِ فِي تَقَادُمِ مِنَ الْأَيَّامِ الْمَاضِيَةِ

رحم مادران انتقال یافتم در آن ایام پیشین و دوران گذشته

وَ الْقُرُونِ الْخَالِيَةِ لَمْ تُخْرِجْنِي لِرَأْفَتِكَ بِي وَ

و از آنجا که با من رأفت

لُطْفِكَ لِي وَ إِحْسَانِكَ إِلَيَّ فِي دَوْلَةِ أُمَّةِ الْكُفْرِ

مهربانی داشتی و نظر لطف و احسان مرا در دور سلطنت پیشوایان کفر

الَّذِينَ نَقَضُوا عَهْدَكَ وَ كَذَّبُوا رُسُلَكَ لِكِنَّكَ

و ضلالت که عهد تو را شکستند و رسولانت را تکذیب کردند به دنیا نیاوردی و لیکن زمانی

أَخْرَجْتَنِي لِلَّذِي سَبَقَ لِي مِنَ الْهُدَى الَّذِي لَهُ

به وجود آوردی که از برکت پیشوای توحید حضرت خاتم پیغمبرات مقام هدایت که

يَسَّرْتَنِي وَ فِيهِ أَنْشَأْتَنِي وَ مِنْ قَبْلِ ذَلِكَ

در علم ازلیت مقّرر بود بر من میسر فرمودی و در این عصر هدایت مرا پرورش دادی

رَوْفَتَ بِي بِجَمِيلِ صُنْعِكَ وَ سَوَابِغِ نِعَمِكَ

و از این پیش هم پیوسته با من نیکویی و مهربانی کردی و به نعمت فراوانم

فَابْتَدَعْتَ خَلْقِي مِنْ مَنِيَّ يُمْنِي وَ اسْكَنْتَنِي

منتعم ساختی تا آنگاه که آفرینشم به مشیتت از آب نطفه فرمودی

فِي ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ بَيْنَ لَحْمٍ وَ دَمٍ وَ جِلْدٍ لَمْ

و در ظلمات سه گانه در میان لحم و خون و پوست مسکن دادی

تُشْهِدُنِي خَلْقِي وَ لَمْ تَجْعَلْ إِلَيَّ شَيْئًا مِنْ

نه مرا از کیفیت خلقتم آگاه ساختی و نه کاری در

أَمْرِي ثُمَّ أَخْرَجْتَنِي لِلَّذِي سَبَقَ لِي مِنَ الْهُدَى

آفرینشم به من واگذار کردی تا آنکه مرا بر آن رتبه معرفت و هدایت علم ازلی

إِلَى الدُّنْيَا تَامًا سَوِيًّا وَ حَفِظْتَنِي فِي الْمَهْدِ

با خلقت کامل و آراسته به دنیا آوردی و در گهواره که

طِفْلاً صَبِيًّا وَ رَزَقْتَنِي مِنَ الْغِذَاءِ لَبَنًا مَرِيًّا وَ

کودکی ناتوان بودم مرا نگهداشتی و از شیر مادر غذایی گوارا روزیم کردی و

عَطَفْتَ عَلَيَّ قُلُوبَ الْحَوَاضِنِ وَ كَفَلْتَنِي

دل‌های دایگان را به من مهربان ساختی

الْأُمَّهَاتِ الرَّوَاحِمَ وَ كَلَّأْتَنِي مِنْ طَوَارِقِ الْجَانِّ

مادران مهربان را برای محافظتم از آسیب جن و شیطان

وَ سَلَّمْتَنِي مِنَ الزِّيَادَةِ وَ النُّقْصَانِ فَتَعَالَيْتَ يَا

برگماشتی و از عیب و نقصان، خلقتم را پیراستی به هر حال

رَحِيمٌ يَا رَحْمَانُ حَتَّى إِذَا اسْتَهْلَكْتُ نَاطِقًا

بسی بلندمرتبه خدای مهربانی پس آنگاه که زبانم

بِالْكَلَامِ أَتَمَمْتَ عَلَيَّ سَوَابِغَ الْأَنْعَامِ وَ رَبَّيْتَنِي

به سخن گشودی و نعمت بی‌حدت بر من تمام کردی و در هر حال

زَائِدًا فِي كُلِّ عَامٍ حَتَّى إِذَا اكْتَمَلَتْ فِطْرَتِي وَ

به تربیتت فرونتر شدم و خلقتم مقام کمال یافت و قوای جسم و

اعْتَدَلْتُ مِرَّتِي أَوْجَبْتَ عَلَيَّ حُجَّتَكَ بِأَنْ

جانم به حد اعتدال رسید پس حجت را بر من الزام نمودی

الْهَمَّتَنِي مَعْرِفَتَكَ وَرَوَعْتَنِي بِعَجَائِبِ حِكْمَتِكَ

و معرفت خود را به قلم الهام فرمودی و در عجایب حکمت‌های خویش

وَ أَيْقَظْتَنِي لِمَا ذَرَأْتَ فِي سَمَائِكَ وَ أَرْضِكَ

چشم عقلم را جبران ساختی و مرا بیدار و هشیار کردی تا در آسمان و زمین

مِنْ بَدَائِعِ خَلْقِكَ وَ نَبَّهْتَنِي لِشُكْرِكَ وَ ذِكْرِكَ وَ

بدایع مخلوقات را مشاهده کنم و مرا به یاد خود و شکر نعمت‌های بی‌حد خویش متذکر ساختی و

أَوْجَبْتَ عَلَيَّ طَاعَتَكَ وَ عِبَادَتَكَ وَ فَهَمَّتَنِي مَا

طاعت و عبادت را بر من فرض نمودی و فهم و دانش

جَاءَتْ بِهِ رُسُلُكَ وَ يَسَّرْتَ لِي تَقْبُلَ مَرْضَاتِكَ

علوم و حقایقی که پیمبرانت به وحی آوردند به من عطا فرمودی

وَ مَنَنْتَ عَلَيَّ فِي جَمِيعِ ذَلِكَ بِعَوْنِكَ وَ لَطْفِكَ

و در تمام این مرحمت‌ها بر من به اعانت و لطف خود

ثُمَّ إِذْ خَلَقْتَنِي مِنْ خَيْرِ الثَّرَى لَمْ تَرْضَ لِي يَا

مَنّت گذاردی سپس مرا از بهترین خاک بیافریدی و برای اسایش من

الْهِيَ نِعْمَةٌ دُونَ أُخْرَى وَ رَزَقْتَنِي مِنْ أَنْوَاعِ

به یک نوع نعمت راضی نشدی بلکه به انواع نعمت‌های بی‌شمار مرا

الْمَعَاشِ وَ صُنُوفِ الرِّيَاشِ بِمَنِّكَ الْعَظِيمِ

متنعم ساختی و به هرگونه طعام و لباس و اثاث زندگی

الْأَعْظَمِ عَلَيَّ وَ إِحْسَانِكَ الْقَدِيمِ إِلَيَّ حَتَّى إِذَا

پرخوردارم کردی و همه صرف لطف بی‌حد و احسان نامنتهای تو بود و چون

أَتَمَمْتَ عَلَيَّ جَمِيعَ النِّعَمِ وَ صَرَفْتَ عَنِّي كُلَّ

هرگونه نعمت را بر من تمام کردی و هرگونه رنج و بلا را از من

النِّقَمِ لَمْ يَمْنَعَكَ جَهْلِي وَ جُرَاتِي عَلَيْكَ أَنْ

برطرف نمودی باز جهان و بی‌باکی من تو را مانع از این لطف بزرگ نشد که

دَلَلْتَنِي إِلَيَّ (عَلَيَّ) مَا يُقَرِّبُنِي إِلَيْكَ وَ وَفَّقْتَنِي

دلالتم کنی و به هرچه سبب مقام قرب توست موفق سازی

لِمَا يُزِلُّنِي لَدَيْكَ فَإِنْ دَعَوْتُكَ أَجَبْتَنِي وَ إِنْ

و یا همه بی‌باکی و گناه باز هر وقت تو را خواندم اجابت کردی و چون

سَأَلْتُكَ أَعْطَيْتَنِي وَ إِنْ أَطَعْتُكَ شَكَرْتَنِي وَ إِنْ

از تو درخواستی کردم عطا فرمودی و اگر تو را اطاعت کردم پاداش کامل دادی و اگر

شَكَرْتُكَ زِدْتَنِي كُلَّ ذَلِكَ إِكْمَالٌ لِأَنْعَمِكَ عَلَيَّ

شکرت بجای آوردم و نعمتم افزودی همه این لطف‌ها را فرمودی تا نعمت

وَ إِحْسَانِكَ إِلَيَّ فَسُبْحَانَكَ سُبْحَانَكَ مِنْ مُبَدِيءِ

و احسانت را بر من به حد کمال رسانی زهی پاک و منزّه خدایی که پدیدآورنده آفرینش

مُعِيدِ حَمِيدٍ مَجِيدٍ وَ تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ وَ عَظُمَتْ

و بازگردانندهٔ خلقی ستوده صفات و با مجد و عزتی نام‌های مقدّست پاک و

الْأَوْكُ فَأَيُّ نِعْمِكَ يَا إِلَهِي أَحْصِي عَدَدًا وَ

نعمت‌هایت بزرگ پروردگارا چه نوع از نعمت‌های بی‌حسابت به ذکر و شمار توان آورد

ذِكْرًا أَمْ أَيُّ عَطَايَاكَ أَقْوَمُ بِهَا شُكْرًا وَ هِيَ يَا

کدام‌یک از خطاهایت را به وظیفهٔ شکرش قیام توان کرد در صورتی

رَبِّ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ يُحْصِيَهَا الْعَادُونَ أَوْ يَبْلُغَ

که نعمتت بیش از آن است که حساب‌دانان بشمار آرند یا حافظان

عِلْمًا بِهَا الْحَافِظُونَ ثُمَّ مَا صَرَفْتَ وَ دَرَأْتَ

به آن دانا شوند و باز پروردگارا آن رنج و

عَنِّي اللَّهُمَّ مِنَ الضَّرِّ وَ الضَّرَاءِ أَكْثَرُ مِمَّا ظَهَرَ

زیان‌ها را که از من به مرحمتت دفع کردی بیش از آن همه نعمت و

لِي مِنَ الْعَافِيَةِ وَ السَّرَّاءِ وَ أَنَا أَشْهَدُ يَا إِلَهِي

عافیت است که به ظاهر مشاهده می‌کنم و من گواهی می‌دهم برای خدا از خلوص

بِحَقِيقَةِ إِيمَانِي وَ عَقْدِ عَزَمَاتِ يَقِينِي وَ خَالِصِ

و حقیقت ایمانم به عهد قلبم که از فرایض مقام یقین من است

صَرِيحِ تَوْحِيدِي وَ بَاطِنِ مَكْنُونِ ضَمِيرِي وَ

و توحیدی خالص و پاک از شایبه و از باطن سرّ ضمیرم و

عَلَّاتِقِ مَجَارِي نُورِ بَصْرِي وَ أَسَارِيرِ صَفْحَةِ

از رشته‌های بینش نور چشم و اسرار نقش‌های

جَبِينِي وَ خُرْقِ مَسَارِبِ نَفْسِي وَ خَذَارِيفِ

جبینم و شکاف راه‌های نفس‌هایم و محفظهٔ شامه‌ام و روزنه‌های وصول امواج

مَارِنِ عِرْنِينِي وَ مَسَارِبِ سِمَاحِ سَمْعِي وَ مَا

صوتی به سماخ و استخوان سامع‌ام و آنچه

ضَمَّتْ وَ أَطْبَقَتْ عَلَيْهِ شَفْتَايَ وَ حَرَكَاتِ لَفْظِ

را که دو لبم از برهم نهادن می‌پوشاند و به حرکات

لِسَانِي وَ مَغْرَزِ حَنَكِ فَمِي وَ فِكِّي وَ مَنَابِتِ

بی‌شمار زبانم و محل ارتباط فک بالا و فک پایینم و مکان روییدن

أَضْرَاسِي وَ مَسَاغِ مَطْعَمِي وَ مَشْرَبِي وَ حِمَالَةِ

پندان و عصب قوهٔ ذایقه که جایگاه ادراک گوارایی طعام و شراب است و آن استخوان که

أُمَّ رَاسِي وَ بَلُوعِ فَارِعِ حَبَائِلِ عُنُقِي وَ مَا

آم راس من بر آن استوار است و وسعت گاهی که مکان رشته‌های اعصاب گردن من است و آنچه

أَشْتَمَلَ عَلَيْهِ تَأْمُورُ صَدْرِي وَ حَمَائِلِ حَبْلِ

فضای سینۀ من بر آن محیط است و آنجا که رشتهٔ رگ و تینم حمایل

وَ تِينِي وَ نِيَاطِ حِجَابِ قَلْبِي وَ أَفْلَازِ حَوَاشِي

است و آنجا که پردهٔ قلبم و قطعات اطراف جگرم بدان

كَبِدِي وَ مَا حَوْتُهُ شَرَّاسِيفُ أَضْلَاعِي وَ حِقَاقُ

مرتبط است و شراسیف استخوان و غضروف پهلو و سربندهای

مَفَاصِلِي وَ قَبْضُ عَوَامِلِي وَ اطْرَافُ اَنَامِلِي وَ

مفاصل من و قبض قوای عامله من و سر انگشتان من و

لَحْمِي وَ دَمِي وَ شَعْرِي وَ بَشْرِي وَ عَصْبِي وَ

گوشت و خون و موی و پوست و اعصاب و ورید و

قَصْبِي وَ عِظَامِي وَ مُخِي وَ عُرُوقِي وَ جَمِيعُ

شریان من و استخوانها و مغز و رگ و پی‌های من

جَوَارِحِي وَ مَا اَنْتَسَجَ عَلَيَّ ذَلِكَ اَيَّامَ رِضَاعِي

و تمام اندامی انساج پرده‌ها و غشاهایی که دوران شیرخوارگی منسوج شده

وَ مَا اَقْلَتِ الْاَرْضُ مِنِّي وَ نَوْمِي وَ يَقْظَتِي وَ

و آنچه زمین از من در پشت خود برداشته است و خواب و بیداری من و

سُكُونِي وَ حَرَكَاتِ رُكُوعِي وَ سُجُودِي اَنْ لَوْ

آرامش و جنبش من و رکوع و سجود من که

حَاوَلْتُ وَ اجْتَهَدْتُ مَدِي الْاَعْصَارِ وَ الْاَحْقَابِ

از بسیاری آنها اگر به قصد و کوشش در ضبط آنها عمری بپردازم

لَوْ عُمِرْتُهَا اَنْ اَوْدِي شُكْرًا وَاحِدَةً مِنْ اَنْعَمِكَ

طول مدت عصرها و بلکه قرن‌ها اگر عمر کنم شکر یکی از آن نعمتها

مَا اسْتَطَعْتُ ذَلِكَ اِلَّا بِمَنَّكَ الْمَوْجِبِ عَلَيَّ بِهِ

را نتوانم کرد مگر باز به نعمت دیگری که آن نیز بر من شکر می‌سر از نو

شُكْرُكَ اَبَدًا جَدِيدًا وَ ثَنَاءً طَارِفًا عَتِيدًا اَجَلُ وَ

و ستایشی تازه واجب گرداند آری و اگر من و تمام حساب‌دانان

لَوْ حَرَصْتُ اَنَا وَ الْعَادُونَ مِنْ اَنَامِكَ اَنْ

عالم خلقت بخواهیم نهایت نعمت‌هایت از گذشته و حال و آینده را احصاء

نُحْصِيَ مَدِي اِنْعَامِكَ سَالِفِهِ وَ اَنِفِهِ مَا حَصْرَنَاهُ

و شماره کنیم هرگز بر حساب و شمارش و درک نهایتش

عَدَدًا وَ لَا اَحْصَيْنَاهُ اَمَدًا هَيْهَاتَ اَنِّي ذَلِكُ وَ

قادر نخواهیم بود هرگز! کجا توانیم در صورتی که تو خود

اَنْتَ الْمُخْبِرُ فِي كِتَابِكَ النَّاطِقِ وَ النَّبِيُّ الصَّادِقِ

در کتاب ناطق قرآن بیان فرمودی که اگر خواهید که

وَ اِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللّٰهِ لَا تُحْصُوها صَدَقَ كِتَابُكَ

نعمت‌های خدا را بشمار آرید هرگز نتوانید و البته کتاب و اخبار تو ای خدا صدق و

اللّٰهُمَّ وَ اِنْبَاؤُكَ وَ بَلَّغْتَ اَنْبِيَاؤُكَ وَ رُسُلُكَ مَا

حقیقت است سخنی است که به پیامبران و رسولان الهام شده

اَنْزَلْتَ عَلَيْهِمْ مِنْ وَحْيِكَ وَ شَرَعْتَ لَهُمْ وَ بِهِمْ

و از مقام وحیت نازل گردیده است و دین خود را به آن وحی و روی آن

مِنْ دِينِكَ غَيْرَ أَنِّي يَا إِلَهِي أَشْهَدُ بِجَهْدِي وَ

کتاب تشریح کردی و علاوه بر اینکه من ای خدا شهادت می‌دهم با تمام توجه و

جَدِّي وَ مَبْلَغِ طَاعَتِي وَ وَسْعِي وَ أَقُولُ مُؤْمِنًا

کمال جدیت و به قدر طاعت و وسعت فکر و معرفتم و با مقام ایمان و یقین می‌گویم

مُوقِنًا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا فَيَكُونَ

که حمد و ستایش مخصوص خدایی است که فرزند ندارد

مَوْرُوثًا وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي مُلْكِهِ فَيُضَادَّهُ

تا وارثی بر او باشد و شریکی در سلطنت ندارد تا در ابداع و اختراع کسی

فِيمَا ابْتَدَعَ وَ لَا وَلِيٌّ مِّنَ الذَّلِّ فَيُرْفِدُهُ فِيمَا

مخالفت و ضدیت کند و قدرت کامله‌اش در صنع و ابداع محتاج به معاونت کسی نیست تا او را یاری کند

صَنَعَ فَسُبْحَانَهُ سُبْحَانَهُ لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا

منزه است خدای یکتایی که اگر جز او خدایی بودند نظم آسمان

اللَّهُ لَفَسَدَتَا وَ تَفَطَّرَتَا سُبْحَانَ اللَّهِ الْوَاحِدِ

و زمین فاسد گشتی و از هم گسیختی منزه است خدای یگانه

الْأَحَدِ الصَّمَدِ الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ وَ لَمْ

یکتا که غنی بالذات است فرزندی ندارد و خود فرزند کسی نباشد و هیچکس

يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ الْحَمْدُ لِلَّهِ حَمْدًا يُعَادِلُ حَمْدَ

مثل و مانند او نیست ستایش خدای را آن‌گونه ستایش که

مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ وَ أَنْبِيَائِهِ الْمُرْسَلِينَ وَ صَلَّى

فرشتگان مقرب و انبیاء مرسل کنند و درود

اللَّهُ عَلَى خَيْرَتِهِ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَ آلِهِ

به حبیب برگزیده او محمد خاتم پیغمبرانش و بر آل او که همه پاکان و

الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْمُخْلِصِينَ وَ سَلَّمَ بِسُورَةِ

پاکیزگان عالم و بندگان خاص خالص اویند

فرمود آن حضرت در سؤال و اهتمام نمود در دعا، و آب از دیده‌های مبارکش

جاری بود پس گفت اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي أَحْشَاكَ كَأَنِّي أَرَاكَ

ای خدا به من آن مقام ترس و خشیت از جلال و عظمت را

وَ أَسْعِدْنِي بِتَقْوِيكَ وَ لَا تُشْقِنِي بِمَعْصِيَتِكَ وَ

عطا کن که گویا تو را می‌بینم و مرا به تقوی و طاعتت سعادت بخش و به عصیانت شقاوتمند مگردان و

خِرْ لِي فِي قَضَائِكَ وَ بَارِكْ لِي فِي قَدْرِكَ حَتَّىٰ

فضا قدرت را بر من خیر و مبارک ساز تا در خوش و ناخوش مقدرات آنچه

لَا أَحِبُّ تَعْجِيلَ مَا أَخَّرْتَ وَ لَا تَأْخِيرَ مَا

دیر می‌خواهی بر من زودتر دوست ندارم و آنچه زودتر می‌خواهی دیرتر

مَا أَجَلَّتْ اللَّهُمَّ اجْعَلْ غِنَايَ فِي نَفْسِي وَ الْيَقِينَ

مایل نباشم خدایا مرا به بی‌نیازی در نفس و یقین



فِي قَلْبِي وَ الْإِخْلَاصَ فِي عَمَلِي وَ النُّورَ فِي

در قلب و اخلاص در عمل و نور در چشم و

بَصَرِي وَ الْبَصِيرَةَ فِي دِينِي وَ مَتَّعْنِي

بصیرت در دین عطا فرما و به اعضاء

بِجَوَارِحِي وَ اجْعَلْ سَمْعِي وَ بَصَرِي الْوَارِثِينَ

و جوارحم بهره‌مند کن و گوش و چشم را در وارث من گردان

مِنِّي وَ انصُرْنِي عَلَى مَنْ ظَلَمَنِي وَ اَرِنِي فِيهِ

و بر هر کس به من ظلم می‌کند مرا یاری فرما و انتقام و

ثَارِي وَ مَآرِبِي وَ اَقْرَبْ بِذَلِكَ عَيْنِي اللّٰهُمَّ

تسلطیم را نمودار ساز و بدان تسلط بر ظالم مرا دلشاد گردان ای خدا

اَكْشِفْ كُرْبَتِي وَ اسْتُرْ عَوْرَتِي وَ اغْفِرْ لِي

تو غم‌هایم برطرف و غیب‌هایم مستور ساز و از خطاهایم

خَطِيئَتِي وَ اِحْسَا شَيْطَانِي وَ فُكَّ رِهَانِي وَ

درگذر و شیطانم را بران و

اجْعَلْ لِي يَا اِلٰهِي الدَّرَجَةَ الْعُلْيَا فِي الْاٰخِرَةِ وَ

دَمَاحم برهان و ای خدای من در دنیا و آخرت به من عالیترین درجه را

الْاُولٰى اللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كَمَا خَلَقْتَنِي فَجَعَلْتَنِي

عطا فرما ای خدا تو را ستایش می‌کنم که به قدرت کامله مرا آفریدی

سَمِيعاً بَصِيراً وَ لَكَ الْحَمْدُ كَمَا خَلَقْتَنِي

پس نگاه شنوا و بینا گردانیدی و تو را ستایش می‌کنم که چون مرا آفریدی

فَجَعَلْتَنِي خَلْقاً سَوِيّاً رَحْمَةً بِي وَ قَدْ كُنْتُ عَنْ

از لطف و عنایتی که به من داشتی خلقتم را نیکو آراستی در صورتی که از وجود من

خَلَقِي غَنِيّاً رَبِّ بِمَا بَرَأْتَنِي فَعَدَلْتَ فِطْرَتِي

بی‌نیاز بودی پروردگارا چون مرا ایجاد کردی فطرت

رَبِّ بِمَا اَنْشَأْتَنِي فَاَحْسَنْتَ صُوْرَتِي رَبِّ بِمَا

و طبیعتم را مقام اعتدال بخشیدی پروردگارا چنانکه

اَحْسَنْتَ اِلَيَّ وَ فِي نَفْسِي عَافِيَتِي رَبِّ بِمَا

مرا خلق کردی و صورتم زیبا نگذاشتی پروردگارا چنانکه مرا مراقبت

كَالَّتِي وَ وَفَّقْتَنِي رَبِّ بِمَا اَنْعَمْتَ عَلَيَّ

کردی و توفیق دادی پروردگارا چنانکه به من انعام فرمودی و

فَهَدَيْتَنِي رَبِّ بِمَا اَوْلَيْتَنِي وَ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ

هدایتیم کردی پروردگارا چنانکه مرا برگزیدی و از هر خیر

اَعْطَيْتَنِي رَبِّ بِمَا اطْعَمْتَنِي وَ سَقَيْتَنِي رَبِّ بِمَا

به من عطا نمودی پروردگارا چنانکه مرا غذا دادی و سیرابم کردی پروردگارا

اَغْنَيْتَنِي وَ اَقْنَيْتَنِي رَبِّ بِمَا اَعْنَيْتَنِي وَ اَعَزَّزْتَنِي

چنانکه مرا بی‌نیاز گردانیدی و سرمایه و عزت بخشیدی

رَبِّ بِمَا الْبَسْتَنِي مِنْ سِتْرِكَ الصَّافِي وَ يَسَّرْتَ

پروردگارا چنانکه مرا به لباس کرامت خاص در پوشانیدی و از مصنوعات به حد

لی مِنْ صُنْعِكَ الْكَافِي صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ

کافی در دسترس من نهادی چنانکه این موهبت‌ها را فرمودی هم درود فرست بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ وَ أَعِنِّي عَلَى بَوَاقِي الدُّهُورِ وَ صُرُوفِ

محمد و در سختی‌های روزگار و حوادث

اللَّيَالِي وَ الْأَيَّامِ وَ نَجِّنِي مِنْ أَهْوَالِ الدُّنْيَا وَ

شبان و روزان مرا یاری کن و از هول و خطرهای دنیا و

كُرْبَاتِ الْآخِرَةِ وَ اكْفِنِي شَرَّ مَا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ

از غم و اندوه آخرت نجات بخش و از شر اعمال ستمکاران

فِي الْأَرْضِ اللَّهُمَّ مَا أَخَافُ فَاكْفِنِي وَ مَا أَحْذَرُ

روی زمین محفوظم دار ای خدا تو از هرچه بترسم کفایت کن و از آنچه

فَقِنِي وَ فِي نَفْسِي وَ دِينِي فَاحْرُسْنِي وَ فِي

هراسانم نگاهم دار و در جان و دین محافظتم فرما و در

سَفَرِي فَاحْفَظْنِي وَ فِي أَهْلِي وَ مَالِي فَاخْلِفْنِي

سفر نگهداری کن و در اهل و مال مرا جانشین عطا کن

وَ فِيمَا رَزَقْتَنِي فَبَارِكْ لِي وَ فِي نَفْسِي فَذَلِّلْنِي

و در آنچه نصیبم کردی برکت بخش و مرا در پیش خود خوار

وَ فِي أَعْيُنِ النَّاسِ فَعَظِّمْنِي وَ مِنْ شَرِّ الْجِنِّ وَ

و در چشم مردم بزرگ ساز از شر جن و

الْأَنْسِ فَسَلِّمْنِي وَ بِذُنُوبِي فَلَا تَفْضَحْنِي وَ

انس سلامتتم دار و به گناهانم رسوا مگردان و

بِسِرِّيْرَتِي فَلَا تُخْزِنِي وَ بِعَمَلِي فَلَا تَبْتَلِنِي وَ

به اندیشه‌های باطنیم مفتضح و به عملم مبتلا مکن و

نِعْمَكَ فَلَا تَسْلُبْنِي وَ إِلَيَّ غَيْرِكَ فَلَا تَكِلْنِي

نعمت‌هایت را از من مگیر و مرا به غیر خودت واگذار مکن

إِلَهِي إِلَيَّ مَنْ تَكِلْنِي إِلَيَّ قَرِيبٌ فَيَقْطَعُنِي أَمْ

ای خدا مرا به که وامی‌گذاری به نزدیکان که از من علاقه بزند یا به دور و بیگانگان

إِلَيَّ بَعِيدٌ فَيَتَجَهَّمُنِي أَمْ إِلَيَّ الْمُسْتَضْعَفِينَ لِي وَ

که با من خشونت و نفرت آغازند یا په آنان که مرا ضعیف و ناتوان خواهند در صورتی که

أَنْتَ رَبِّي وَ مَلِيكُ أَمْرِي أَشْكُو إِلَيْكَ غُرْبَتِي وَ

تو پروردگار من و مالک امور من هستی به تو از غربت و ذلت خود شکایت می‌کند از

بُعْدِ دَارِي وَ هَوَانِي عَلَيَّ مَنْ مَلَكَتْهُ أَمْرِي

دوری منزلت شکایت می‌کنم و از ذلت و خواریم در مقابل کسی که او را مالک امر

إِلَهِي فَلَا تُحْلِلْ عَلَيَّ غَضَبَكَ فَإِنَّ لَمْ تَكُنْ

من گردانیدی به تو می‌نالم ای خدا پس تو بر من قهر و غضب نکن که باک از

غَضِبْتَ عَلَيَّ فَلَا أَبَالِي سُبْحَانَكَ غَيْرَ أَنَّ

چیزی غیر معصیت تو ندارم آن هم ای ذات منزّه سهل است که لطف

عَافِيَتِكَ أَوْسَعُ لِي فَأَسْأَلُكَ يَا رَبِّ بِنُورِ

و عافیتت مرا وسیعتر است پس از تو ای پروردگار

وَجْهِكَ الَّذِي أَشْرَقَتْ لَهُ الْأَرْضُ وَالسَّمَوَاتُ

من درخواست می‌کنم به نور جمالت که بر زمین و آسمان تابش کرده

وَ كَشَفَتْ بِهِ الظُّلُمَاتُ وَ صَلَّحَ بِهِ أَمْرُ الْأَوَّلِينَ

و ظلمت را از جهان برانداخته و اصلاح امر اولین

وَ الْآخِرِينَ أَنْ لَا تُمِيتَنِي عَلَى غَضَبِكَ وَ لَا

و آخرین بدان بسته است که مرا در حال قهر و غضبت نمیرانی و

تُنزِلَ بِي سَخَطَكَ لَكَ الْعُتْبَىٰ لَكَ الْعُتْبَىٰ حَتَّىٰ

خشمت بر من نازل نگردانی که می‌توانی از خشم به لطف بازایی و از من

تَرْضَىٰ قَبْلَ ذَلِكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ رَبُّ الْبَلَدِ

خشنود شوی پیش از آنکه غضب فرمایی عالم را خدایی جز تو نیست که خدای

الْحَرَامِ وَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ وَ الْبَيْتِ الْعَتِيقِ الَّذِي

مکه و مشعر الحرام و بیت العتیق و در آن

أَحْلَلْتَهُ الْبَرَكَاتَةَ وَ جَعَلْتَهُ لِلنَّاسِ أَمْنًا يَا مَنْ عَفَا

حرم برکت و رحمت فرود آوردی و آنجا را مقام امن و امان برای مردم قرار دادی ای آنکه به حلم

عَنْ عَظِيمِ الذُّنُوبِ بِحِلْمِهِ يَا مَنْ أَسْبَغَ النِّعْمَاءَ

از گناهان بزرگ بندگان درگذشتی و از فضل نعمتت را بر خلق

بِفَضْلِهِ يَا مَنْ أَعْطَى الْجَزِيلَ بِكَرَمِهِ يَا عُدَّتِي

به حد کمال رسانیدی و عطاهای بزرگ به کرم عطا کردی ای ذخیره

فِي شِدَّتِي يَا صَاحِبِي فِي وَحْدَتِي يَا غِيَاثِي

روز سختی من ای همدم وقت تنهایی من ای فریادرس

فِي كُرْبَتِي يَا وَلِيَّيَ فِي نِعْمَتِي يَا إِلَهِي وَ إِلَهَ

من هنگام رنج و بلا ای ولی نعمت من ای خدای من و خدای

آبَائِي إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ وَ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ

پدران من ابراهیم و اسمعیل و اسحاق و یعقوب

وَ رَبِّ جِبْرَائِيلَ وَ مِيكَائِيلَ وَ إِسْرَافِيلَ وَ رَبِّ

و ای پروردگار جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و ای پروردگار

مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَ آلِهِ الْمُتَتَجِبِينَ وَ مُنْزِلَ

محمد خاتم انبیاء و آل برگزیده پاکش ای خدای فرستنده

التَّوْرَةِ وَ الْإِنْجِيلِ وَ الزَّبُورِ وَ الْفُرْقَانِ وَ مُنْزِلَ

کتاب تورات و انجیل و زبور و فرقان و فرستنده

كَهَيِّعَصَ وَ طه وَ يَاسَ وَ الْقُرْآنِ الْحَكِيمِ أَنْتَ

که‌هی‌عص و طه و یس و تمام قرآن حکیم ای خدا تویی